



## معنا و مصداق صراط مستقیم در قرآن و روایات

منصوره اسداللهی دماوندی<sup>۱</sup>، محمد رضا شاهرودی<sup>۲</sup>

۱- کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

۲- استاد یار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران

mansooreh.asadollahi@yahoo.com

### خلاصه

در قرآن کریم از شیوه صحیح دست یابی به اعتقاد و عمل صالح به "صراط مستقیم" تعبیر شده است و پیوندگان آن "نعمت داده شدگان" نامیده شده اند. صراط مستقیم به نوعی دارای ابهام است لذا موضوع مقاله در این باب و با عنوان معنا و مصداق صراط مستقیم در قرآن و روایات انتخاب شده است و هدف آن بوده که این راه با استفاده از شیوه مصداقی معرفی شود. این تحقیق با استفاده از کتب معتبر روایی، تفسیری و لغوی انجام شده است و از دستاوردهای آن می توان به شناخت مهم ترین ویژگی های "صراط مستقیم" اشاره کرد.

کلمات کلیدی: راه حق، صراط مستقیم، دین قیم، عبودیت و نعمت داده شدگان.

### ۱. مقدمه

از اساسی ترین اموری که شناخت آن ضامن سعادت است، شیوه صحیح باور و رفتار است که در قرآن کریم از آن به صورت استعاره<sup>۱</sup> [۱] با عنوان "صراط مستقیم" سخن رفته است؛ زیرا همان طور که راه راست به هدف می رساند، مسیر صحیح باور و کردار هم به سعادت ابدی می رساند. این راه از مراحل زیادی برخوردار است که هر لحظه امکان لغزش در آن وجود دارد. نظر به اهمیت شناخت این راه و وجود آیاتی در قرآن کریم که به تبیین آن پرداخته است، جا دارد که از قرآن کریم پاسخ این سؤالات را جویا شویم: صراط مستقیم از چه ویژگی هایی برخوردار است و چه حوزه هایی را در برمی گیرد؟ قرآن کریم چه مصادیقی را به عنوان صراط مستقیم تأیید می نماید؟ و اصحاب صراط مستقیم از چه خصوصیات برخوردارند؟

### ۲. معنای لغوی صراط

صراط، در لهجه های مختلف عرب به سه شکل تلفظ می شود [۲] و برای آن چند معنای مشابه ذکر شده است: راه [همان]. راه راست [۳]. راه آسان [همان]. راه روشن فراخ [۴] شاهراه و بزرگراه [۵]. در لهجه فصیح، صراط با صاد تلفظ می شود [۶]. صراط نیز که لهجه دیگر صراط است، از "سرط" به معنای "بلعید" گرفته شده است، گویی این راه رهروان خود را می بلعد [۵].

۱ - استعاره ترکیبی است از مجاز و تشبیه و یا به عبارت دیگر مجازی لغوی است که علاقه آن مشابهت است. برخی نیز در تعریف آن گفته اند: لفظی است که در معنایی که به معنای اصلی آن شباهت دارد، استعمال شده است. برخی نیز می گویند که استعاره مجاز عقلی است، به این معنا که استعاره تصرف در امری عقلی است نه لغوی، بنابراین استعاره حقیقت لغوی است نه مجاز لغوی [۱].



### ۳. معنای لغوی مستقیم

مستقیم، اسم فاعل از ریشه "قوم" و مصدر استقامت و فعل استقام [۷] به معنای "معتدل و راست شد" است [۸]. استقامت در مورد راهی به کار می رود که بر یک خط راست باشد [۳] و به معنای طلب قیام از شیء و کنایه از حصول منافع در آن است و چون منافع راه در نداشتن اعوجاج و گمراه نکردن است، چنین حالتی را قیام آن می دانند [۹]. بنابراین مستقیم، شیء راستی است که در آن کژی و ناموزونی و انحراف نیست [۴].

### ۴. ویژگی های صراط مستقیم

در قرآن کریم برای صراط مستقیم به ویژگی هایی اشاره شده است که در شناخت آن تأثیر قابل توجهی دارد. ما در این بخش بر پایه آیات قرآن کریم به بررسی این اوصاف که تا حدود زیادی بیانگر حقیقت آن نیز هست می پردازیم:

الف) صراط در آیه (۶/فاتحه) به استقامت و در آیه (۱۳۵/طه) به استواء وصف شده است. بدین معنا که صراط الهی راست و مستقیم است و انحراف و اعوجاج ندارد [۹]. بنابراین رهروانش دچار سرگردانی و یا احیاناً فاصله گرفتن از مقصد و اطالۀ زمان در راه رسیدن به مقصود نمی شوند.

ب) خداوند در آیه (۵۲/شوری) فقط یک صراط مستقیم را به خود نسبت داده [۱۰] و منظور از آن با آیه بعد روشن شده است [۴]. صراط الله همان صراط مستقیمی است که پیامبر ۶ به آن هدایت می فرماید [۱۰]. صراط در قرآن به صورت مفرد است (انعام/۱۵۳)؛ زیرا به خداوند ارتباط دارد و تعددناپذیر است، نه کثیر [۹]. صراط، راه یگانه ای است که خداوند به تبعیت از آن سفارش نموده و از پیروی راههای متعدد برحذر داشته است.

ج) صراط مستقیم، راه کسانی است که مورد انعام الهی قرار گرفته اند. این راه جز در آیه (۷/فاتحه) به هیچ یک از بندگان نسبت داده نشده است [۱۰]. حضرت علی ۷ در معنای آیات ۶-۷ سوره حمد می فرماید: یعنی بگویند هدایت نما ما را، به راه کسانی که به توفیق در دین و طاعت خود، بدیشان نعمت دادی. آن ها کسانی هستند که خداوند در بارۀ ایشان فرموده است [۱۱-۱۳]: ① وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا ② (نساء/۶۹) و به آنان نعمت "نبوت، صدق، شهادت و صلاح" عطا شده است [۹] یعنی معصومان ① و بندگان خاص مانند: حضرت مریم ۳. در حدیثی از امام صادق ۷ است که پیامبر ⑧ صراط مستقیم را، راه انبیاء معرفی کرده اند، چون خداوند بدیشان نعمت عطا فرموده است [۱۴] و در حدیثی دیگر از ایشان، حضرت علی ۷ و شناخت او یکی از مصداق های صراط مستقیم معرفی شده است [۱۵-۱۳]. با توجه بدین امر محور صراط مستقیم، سیرت و سنت پیامبران و امامان معصوم ① است [۹].

د) صراط، راه کسانی است که جزء مغضوبین و ضالین نیستند (۷/فاتحه) مغضوب، از غضب به معنای شدت و سختی و غضب خدا، اراده او برای عقاب بدکاران [۴] و عذاب الهی است [۳]. از نظر مفسران، یهود مورد خشم خدا قرار گرفتند و آیه (۶۰/مائده) به همین امر دلالت دارد، زیرا آنان بودند که با توجه به آیه (۶۵/بقره) مسخ شدند [۴]. ضلال نیز به معنای نابود شدن [همان] و عدول از راه راست و متضاد آن هدایت است [۳]. ضلال در دین به معنای دور شدن از حق است [۴]. گر چه بعضی مقصود از گمراهان را به دلالت آیه (۷۷/مائده) مسیحیان می دانند، اما برخی دیگر منظور از "مغضوب علیهم" و "ضالین" را همه کافران می دانند [۴]. منحرفان از صراط خصوصیات دیگری هم دارند که در برابر نعمت داده شدگان قرار گرفته اند؛

۲ - انبیاء، برگزیدگان الهی هستند که از طریق وحی قوانین الهی را تبیین می کنند [۱۰]. صدیقان در تمام مراحل اعتقادی، اخلاقی و عمل صدیق هستند [۹]. آنان یا از پیامبرانند (مریم/۴۱) و یا گر چه پیامبر نبوده اند، ملائکه با آن ها سخن می گفته اند، مانند مادر بزرگوار حضرت عیسی ۷. (مائده/۷۵) [۱۶]. در برخی احادیث، پیامبر ۶ حضرت علی ③ را به عنوان سرور صدیقین و صدیق اکبر معرفی نموده است [۱۲ و ۱۷]. شهدا در قرآن، گواهان اعمال می باشد نه کشته شدگان در جنگ [۱۰]. آنان شاهد اعمال در دنیا (مائده/۱۱۷) و گواهی دهنده در قیامت هستند (نساء/۱۵۹) شهداء نیز یا از پیامبرانند [۱۰] و یا طبق برخی روایات، از امامان معصوم ①. [۱۳ و ۱۴ و ۱۸] صالحان خاصان اهل ایمان [۱۰] و بسیار والاتر از افراد دارای عمل صالح می باشند، زیرا صلاح صالحان، موهبتی الهی است [۹]. آنان نیز یا از پیامبران هستند (انبیاء/۷۲) و یا طبق برخی روایات از ائمه معصومین ①. امام محمد باقر ⑧ می فرماید: "فَمِنَّا النَّبِيُّ وَمِنَّا الصَّادِقُ وَالشُّهَدَاءُ وَالصَّالِحُونَ" [۱۲ و ۱۳ و ۱۸].



هم چنین بیان "مغضوب علیهم" و "ضالین" نشان از تضاد این دو صفت نیست، زیرا کسی که از حق انحراف می یابد هم گمراه است و هم مورد خشم خداوند؛ مگر آنانی که گمراهی آنها به دلیل قصور باشد نه تقصیر، که در این صورت ضلالت وجود دارد ولی مشمول خشم الهی نیستند [۹].  
ه) دیگر از ویژگی های صراط مستقیم، فطری بودن آن است. خداوند، پیامبران ① را برگزیده و به صراط مستقیم هدایت نموده است. (انعام / ۸۶-۸۷؛ نحل/ ۱۲۱) دین خالصی که به هیچ شرکی آلوده نیست [۱۹]. راهی که گر چه از نظر ظاهر قوانین مختلف است، در یک حقیقت مورد وفاق است و آن توحید فطری و عبودیتی است که سرشت انسانی به آن هدایت می کند [۱۰] و تغییرپذیر نیست. این صراط در فطرت تمام انسان ها قرار دارد (روم/ ۳۰) و سلوک در آن دشوار نیست [۹]. دین حنیف الهی که قیم بر جوامع انسانی و شامل معارف اعتقادی، اخلاق و عمل صالح است [۱۰]. طریقی که سالککش را به حق می رساند [۲۰] و به سعادت انسانی که کمال عبودیت برای خداوند است [۱۰].

و) پیامبر ② خود بر این راه قرار دارد (یس/ ۴-۳) بدان دعوت می نماید (مؤمنون / ۷۳) و به تبعیت از آن سفارش می فرماید (انعام / ۱۵۳) بنابراین راه پیامبر ② نیز می باشد، چون ایشان است که مردم را به امر پروردگار (انعام / ۱۵۱) به تکالیف خاصی مخاطب قرار داده است [۱۰].  
ز) این راه مصون از دسترسی ابلیس است (حجر/ ۳۹-۴۱) و شیطان امکان دست یابی بدان را ندارد. چون مصادیق آن دین قیم، کتاب الله و معصومین ① هستند. صراط مستقیم، راه بندگان مخلص الهی است [۹] و خداوند خود می فرماید: این راه حقی است که رعایت آن بر عهده من است [۵] و بیان آن و هدایت به سوی آن بر من لازم است [۴].

ح) این راه خود، نور است (ابراهیم / ۱). این برداشت مبتنی بر بدل دانستن ① *إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ* ② از ① *إِلَى النُّورِ* ③ است [۵].  
خداوند می فرماید کتابی که بر پیامبرش نازل کرده، نوری است که حق را از باطل جدا می کند و راه روشنی است که سالکانش را به خداوند می رساند [۱۰].

ط) خداوند، خود هدایت کننده بدین راه است (بقره / ۲۱۳). گر چه هدایت بدان گاهی به غیر خداوند نیز اسناد داده شده است مانند اسناد به پیامبر ④ (شوری / ۵۲). به جهت آن که هدایت اولیاء خدا در طول هدایت الهی و در پرتو آموزه های هدایت کننده کل هستی است [۹].

## ۵. مصداق صراط مستقیم

در قرآن کریم، جلوه هایی از صراط مستقیم که خود دارای ابهام از حیث مصداق و مؤلفه های تشکیل دهنده آن می باشد، بیان شده است: ۳

### الف) دین قیم

اصلی ترین تجلی "صراط مستقیم" در آیه (انعام/ ۱۶۱) با عنوان دین قیم روشن شده است. صراط مستقیم، دین حقی است که جز آن از بندگان پذیرفته نمی شود و دین این گونه نامیده شده است؛ زیرا رهرو خود را مستقیماً به مقصد مطلوب یعنی به بهشت می رساند [۶]. برای دین معانی مشابهی ذکر شده است، مانند: پاداش، محاسبه، اطاعت [۴]، روشی که از آن پیروی می کنند [۷] و خضوع و تسلیم در مقابل یک برنامه خاص [۲۱]. در مورد قرائت "قِیماً" نیز دو نظر وجود دارد. کوفیان آن را به کسر قاف و فتح یاء و دیگران به فتح قاف و یاء مشدد خوانده اند [۲۲ و ۲۳] قِیْم و قیم را به یک معنا می دانند [۲۴] قِیْم در ذات خود، ایستاده و بدون نیاز به غیر است، چنان که دین در آیاتی از قرآن مانند (روم/ ۴۳) و (انعام/ ۱۶۱) بدان وصف شده است [۲۱]. قِیْم، نیز از مصادر قام می باشد و این که دین با قیام وصف شده است، برای نشان دادن مبالغه در کفایت دین الهی برای اصلاح امور است [۷] و [۲۳]. کل دین، قیام و ایستادگی است زیرا براساس فطرت برپا شده است [۲۵]. دین قیم خود ایستاده است و دیگران را نیز برپا می دارد [۹].

۳- با این توجه و نظر به لزوم بیان مصداق صراط یا افراد آن می توان آن را از مصادیق مبهمات دانست. برخی از قرآن پژوهان در کنار مجملات قرآنی، مقوله ای به نام مبهمات را در قرآن کریم قائلند [۱].



### ب) ملت ابراهیم حنیف ⑤

صراط مستقیم همان آیین ابراهیم ⑤ است (انعام / ۱۶۱). ملت مانند دین، قانونی است که خداوند قرار داده [۶] و حنیف نیز به معنای راست و مستقیم [۱۹ و ۲۶ و ۲۷]، کسی که از ادیان باطل به دین حق روی آورده [۵ و ۲۶] و یکتاپرست [۲۸] به کار رفته است. از دین پیامبر ۶ برای ترغیب اعراب به آیین ابراهیم ⑤ یاد شده است که نزد آنان و پیروان تمامی ادیان، مقامی والا داشتند [۴ و ۲۹]. ملت ابراهیم، عطف بیان دین و معنای آن آیین حق است [۳۰]. علت این که از دین قیم یا صراط مستقیم با عنوان ملت ابراهیم ⑤ یاد می شود، این است که برجسته ترین روش را ایشان ارائه نموده است [۹].

### ج) عبودیت و عبادت رب

از عبودیت رب نیز به صراط مستقیم تعبیر شده است (آل عمران / ۵۱). طبرسی در تفسیر آیه مذکور که سخن عیسی ⑤ است می نویسد: یعنی خداوند مالک من و مالک شماست و عیسی ⑤ این سخن را فرمود تا حجت باشد بر مسیحیان که می گویند: ① الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ⑤ (توبه / ۳۰) و معنای آیه این است که مرا این گونه بدو منسوب نکنید، زیرا که من عبد او هستم، مانند شما. پس تنها او را بندگی کنید که این راه راست است [۴]. منظور از ① فَأَعْبُدُوهُ ⑤ عمل کامل همراه اطاعت است [۲۹] و نیز در (یس / ۶۰ - ۶۱) منظور از عبادت شیطان، اطاعت از اوست [۵]. در اینجا برای روشن شدن معنای ① فَأَعْبُدُوهُ ⑤ ابتدا به "رب" می پردازیم که برای آن چند معنا ذکر شده است؛ مانند: آقایی که از او اطاعت می شود، مالک، صاحب، پرورش دهنده و اصلاح کننده [۴]. اما با توجه به شواهدی به نظر می رسد معنای دقیق تر آن مالک باشد: کسی که مالک چیزی باشد، رب آن است [۵ - ۳۳]. خداوند، رب مطلق موجودات، یعنی مالک آن هاست [۲۶]. "رَبَّ يَرْبُّ" به معنای مالک بودن است [همان]. زمخشری رب را مالک معنا کرده و سخن فردی را شاهد آورده است که: اگر مردی از قریش، رب [مالک] من باشد، برای من محبوبتر است تا از قبیله هوازن [۵]. طبرسی نیز در جایی که رب را مالک معنی نموده، به گفتاری از پیامبر ۶ استشهاد کرده است که از مردی پرسیدند: "أرب غنم أم رب إبل" [۴]. بعضی مفسران، رب در آیاتی از سوره یوسف (یوسف / ۳۶ - ۴۲) را نیز مالک معنا کرده اند. منظور از رب، در این جا ملک [عزیز مصر] است [۳۴] و هر ملکی، مالک است [۴]. رب، یعنی مالکی که امور مملوک خود را تدبیر می کند و معنای مالکیت در رب نهفته است [۱۰].

### معنای عبادت و عبودیت

از آن جایی که رب، مالکی است که عبد در برابر او در جایگاه "عبادت و عبودیت" قرار دارد، در این جا به معنای این دو واژه می پردازیم: عبادت و عبودیت، هر دو مصدر "عَبَدَ يَعْبُدُ" و به معنای در برابر خدا اظهار فرمانبرداری و فروتنی است [۸]. برخی عبادت را خضوع همراه با اطاعت الهی می دانند [۱۹ و ۲۶] و برخی اصل معنای عبودیت را خضوع می دانند [۲ و ۱۹] گروهی، عبودیت را اظهار تذلل و عبادت را رستار از آن می دانند [۳]. برخی نیز هر دو واژه را به معنای اطاعت می دانند [۳۵]. عبد نیز به معنای برده است [۲۶ و ۳۳] به خاطر فرمانبرداری در برابر مولایش [۴]. مرحوم طباطبایی می فرماید: عبد به معنای مملوک است و عبادت، مشتق از آن. یعنی عبد، خود را در جایگاه مملوکیت برای رب قرار دهد [۱۰]. برخی مفسران، عابد را نیز در آیه (۴۵-۴۷ / مومنون) عبد معنا کرده اند. طوسی می نویسد: یعنی بنی اسرائیل مانند بردگان، ما را اطاعت می کنند [۴ و ۲۲] زیرا هر کس مطیع پادشاهی باشد، عبد اوست [۲۶]. به اهل حیره بردگان می گفتند، زیرا تحت اطاعت پادشاهان عجم بودند [۱۹]. با توجه به تفسیر آیات مذکور و این که بنی اسرائیل، بردگان فرعونیان بودند، به نظر می رسد عابد به کسی می گفتند که برده بود. از معنای رب (مالک)، رَّبَّ يَرْبُّ (مالک بودن) و عبد (مملوک) می توان نتیجه گرفت که "عَبَدَ يَعْبُدُ" به معنای مملوکیت است. گرچه این معنا در فرهنگ های لغت نیامده



است. بنابراین عبادت و عبودیت، یعنی مملوکیت همراه خضوع و اطاعت. هم چنین به نظر می رسد در آیاتی مثل (۵۱/ آل عمران) منظور از ① فَاعْبُدُوهُ ②

اظهار مملوکیت برای خدا و اطاعت از اوست. بنابراین چون خداوند "رب کل شیء" [۲۶] و مالک مطلق است و هر چیزی مملوک اوست، باید در برابر او مطیع بود و به نظر یکی از بزرگان، عبادت یعنی عبد در جایگاه عبودیت قرار گیرد [۱۰]. پیامبران نیز خود را "عبد" معرفی نموده اند (مریم/ ۲۷ - ۳۰). خداوند، عیسی ③ را با اظهار عبودیت به سخن آورد، زیرا والاترین مقام انسان است [۳۱ و ۳۲]. فقط پیامبر ۶ عبد محض است (بقره/ ۲۳). هر جا که از پیامبران دیگر با عنوان عبد یاد می شود (ص/ ۴۱)، نام آنان ذکر می شود [۲۰]. این که خداوند در برخی آیات، به صراحت به نام پیامبر ۶ اشاره فرموده است، دلالت بر کمال بندگی ایشان دارد [۳۱]. کسی که نسبت به غیر خدا حر مطلق است، عبد مطلق خدا است [۹]. عبودیت محض، همان آیین صحیحی است که جویای حق باید در آن قدم نهد.

### د) اسلام و تسلیم

اسلام و تسلیم نیز زیر مجموعه صراط مستقیم است (انعام/ ۱۲۵-۱۲۶). امام رضا ④ می فرماید: کسی را که خدا به خاطر ایمان در دنیا بخواهد به بهشت و خانه کرامت خود در آخرت هدایت کند، قلب او را برای تسلیم به خود، اعتماد بدو و آرامش به پاداشی که وعده فرموده است، گشایش می دهد تا بدان اطمینان باید [۱۱-۱۳]. اسلام معانی گوناگونی دارد، مانند: تسلیم در مقابل خداوند [۳۳]. داخل شدن در حوزه سلامتی [۴]. اطاعت از خدا با فروتنی و اقرار به آنچه که او واجب کرده است [همان]. اسلام در آیه (۱۹/ آل عمران) یعنی تسلیم حق شدن که داشتن اعتقاد حق و انجام اعمال حق است [۱۰] و در آیه (۱۲۸/ بقره) عبودیت کامل و تسلیم آنچه که بنده دارد؛ به خداوند [۱۰] و در آیه (۳/ مائده) یعنی آنچه از جانب خداوند نازل شده است تا بندگانش بدان سبب خدا را عبادت کنند، دینی الهی است [۱۰]. نیز در حدیثی از پیامبر ۶ است که صراط مستقیم، یعنی دین اسلام [۳۶].

### ه) پیروی از پیامبر ۶

تبعیت از پیامبر نیز صراط مستقیم است (زخرف/ ۶۱). پیامبر ۶ می فرماید: از من پیروی کنید زیرا راهی که من بر آن هستم راهی مستقیم است [۴]. امام سجاد ⑤ نیز می فرماید: "نَحْنُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ" [۱۱ و ۱۲]. بنابراین پیروی از امامان ① نیز مصداق صراط مستقیم است.

### و) موارد دیگر صراط مستقیم در قرآن

در برخی آیات به نظر می رسد مفهوم صراط مستقیم کمی متفاوت از مفاهیم یاد شده است که در این جا به بعضی از این آیات می پردازیم:

(الف) در آیه (نحل/ ۷۶) خداوند فردی لال را مثال می زند که سربار مولای خویش است به طوری که هر جا او را می فرستد، موفقیتی به همراه نمی آورد. او با کسی که حواس سالمی دارد، مردم را به عدالت و خیر امر می کند و بر روشی صحیح قرار دارد برابر نیست [۵]. در این جا دو احتمال است: این که صراط به معنای دین الهی باشد یا این که با توجه به مقایسه حالات این دو فرد، استعاره از "روش صحیح زندگی" باشد.

(ب) طبری در تفسیر آیه (۲۲/ ملک) می نویسد: کسی که سرش را پایین انداخته است و راه را نمی بیند، ره یافته تر است یا کسی که قائم راه می رود و راه و جهات آن را می بیند [۴ و ۵]. در این آیه نیز به عنوان احتمال می توان گفت: صراط، به معنای لغوی آن یعنی راه آمده است.

(ج) یک وجه تفسیر صراط در مورد آیات (۱۲۵-۱۲۶/ انعام) در بخش اسلام و تسلیم گذشت؛ وجه دیگر این است که خداوند روشن کرده است شرح صدر، وقتی هدایت کسی را بخواهد و قبض صدر، وقتی گمراهی کسی را بخواهد، صراط مستقیم و سنت جاری اوست. بنابراین وجه در این آیه، صراط به سنت جاری الهی در توفیق هدایت و عدم توفیق تفسیر شده است [۱۰].



د) آیات (۵۵-۵۶/هود) گفتار هود ⑨ در برابر قومی است که دعوت این پیامبر را نپذیرفتند. خداوند بر صراط مستقیم است، یعنی سنت او غیر متغیر است و به عبارت دیگر، تدبیر امور به طریق عدل و حکمت [۱۰]. در این آیه نیز صراط، به سنت غیر متغیر الهی تفسیر شده است.

ه) صراط مستقیم در آیه (۲۰/فتح) راهی است که به اعتلای حق و گسترش دین می رساند [۱۰].

و) صراط مستقیم در آیه (۲/فتح) نیز راهی است که باعث شد پیامبر ۶ به فتح خیبر و نیز به هدف گسترش دین دست یابند [۱۰].

### ۶. ویژگی های اصحاب صراط مستقیم

با توجه به مطالب فوق روشن می شود اصحاب صراط مستقیم، ویژگی هایی دارند که برای شناخت صراط مستقیم و پیمودن آن، باید صفات آنان را نیز شناخت؛ زیرا صراط مستقیم، صراط عبودیت خداوند و تبعیت از نعمت یافتگان است که سالکان طریق عبودیت هستند و صفات اصحاب صراط، در حقیقت نشانه های عملی صراط مستقیم و عبودیت است. در ذیل به برخی از این صفات اشاره می شود:

الف) قنوت (نحل/ ۱۲۰، آل عمران/ ۴۳) به معنای اطاعت با فروتنی [۳]. گویا عبودیت برای آنان مانند طبیعت و سرشت، ذاتی بود [۳۷].

ب) استعاذه (مریم/ ۱۸، یوسف/ ۲۳) به معنای درخواست پناه [۴]. نوعی تذکر مبنی بر این که تنها خداوند، رب و مالک است [۱۰].

ج) اخلاص (ص/ ۴۵-۴۶) به معنای پاک کردن و برگزیدن [۲۶]، دوری جستن از غیر خداوند [۳] و نیت خالص و به دور از هر شائبه ای است [۳۸]. در برخی آیات، اخلاص همراه عبودیت است (زمر/ ۲) [۱۱ و ۱۴].

د) استعصام (یوسف/ ۳۲) به معنای درخواست از خدا برای حفظ از گناه [۴] که بر خویشتن داری و پرهیز شدید دلالت دارد [۵ و ۷].

ه) توکل (یونس/ ۷۱، یوسف/ ۶۷، هود/ ۸۸) به معنای تسلیم شدن و واگذار کردن امور [۷] که با حرف جر "علی" به معنای اعتماد کردن [۳] و مراد از آن سپردن امور به خداست [۴]. توکل در کنار عبودیت (هود/ ۱۲) و به معنای آن است که عبد، رب خود را و کیل امورش بگیرد [۱۰].

و) صبر (یوسف/ ۱۸، ص/ ۴۱-۴۴) به معنای خودداری در زمان تنگنا [۳]، خویشتن داری در اموری که عقل و شرع اقتضاء می کند [همان] و بازداشتن نفس از خواهای نفسانی [۴] و مراد از آن صبر در سختی، در اطاعت الهی و در دوری از گناه است [۱۰]. صبر در کنار عبودیت است (مریم/ ۶۵).

ز) شکر (اعراف/ ۱۸۹، اسراء/ ۳، نمل/ ۱۹، زمر/ ۶۶) به معنای شناخت نیکی [۳۳]، ستایش احسان کننده [۲]، اعتراف به نعمت همراه با تعظیم [۲۲] و به خاطر آوردن نعمت و آشکار کردن آن [۳]. شکر خداوند آن است که بر نعمتش اطاعت شود و مقام ربوبیت او را به یاد آورند [۱۰]. شکر نیز در کنار عبودیت است؛ چون لازمه شکر، خضوع و خشوع و عالی ترین مقام آدمی خضوع و عبودیت است [۹].

ح) احسان (صافات/ ۸۰) که ضد بدی و به دو صورت است: نیکی کردن به دیگران و نیکی انجام دادن کار [۳] احسان والاترین مقام طاعت است [۳۹]. پیامبر ۶ در مورد احسان فرمود: یعنی خدا را بندگی کنی، چنان که گویی او را می بینی. پس اگر تو او را نمی بینی او تو را می بیند [۴].

ط) انابه (هود/ ۸۸، ص/ ۲۴، ص/ ۳۴، شوری/ ۱۰) به دفعات مکرر به سوی چیزی بازگشتن [۳] و مراد از آن روی آوردن به خدا با توبه و رجوع به طاعت است [۲۶]. در قرآن، دعوت به تبعیت از راه کسانی شده است که ویژگی انابه دارند (لقمان/ ۱۵). انابه نیز در کنار عبودیت است (ق/ ۸).

ی) حلم (هود/ ۷۵، صافات/ ۱۰۱) به معنای نگاه داشتن نفس از هیجان خشم [۳]، وقار [۲۶] و عقل [همان]. حلم، از زیننده ترین صفات است که انسان را به مقامات عالی می رساند و او را در پیمودن راه به سوی خداوند با آرامش و اطمینان قلبی توانا می سازد [۲۱].

### ۷. نتیجه

۱- "صراط مستقیم" استعاره ای لطیف در قرآن کریم به مفهوم راه حق و به عبارت دیگر شیوه صحیح پندار و رفتار شخص مسلمان است که از ویژگی های آن می توان به این موارد اشاره کرد: مصونیت از انحراف و اعوجاج، تعدد ناپذیری، استناد به خداوند، نسبت با بهره مندان از نعمت الهی، حفظ از دستیابی ابلیس، فطری بودن و نورانی بودن. دامنه صراط مستقیم در حوزه تشریح که تبعیت از آن و سلوک در آن موجب دور شدن از پلیدی ها



و رسیدن به کمال است، شامل شناخت معارف اعتقادی، پای بندی به احکام، انجام عمل صالح و تهذیب اخلاق است. اموری مانند: "عدم شرک و ورزی به خداوند، احسان به پدر و مادر، دوری از کارهای زشت علنی و یا پوشیده، اجتناب از قتل نفس، دادگری در سخن حتی در باره خویشاوندان و به پیمان خدا وفا کردن" (انعام/۱۵۱-۱۵۲) از جمله مؤلفه های جنبه تشریعی صراط مستقیم محسوب می شود.

۲- اصلی ترین تجلی این راه در قرآن، "دین قیم" خوانده شده که در عبودیت رب و تبعیت از اولیای الهی نمود یافته است. به نظر می رسد صراط مستقیم در تمام آیات قرآن به یک مفهوم باشد گر چه احتمال مؤلفه های دیگری هم چون روش صحیح زندگی و یا سنت تغییر ناپذیر الهی نیز داده می شود. آغاز صراط مستقیم، معرفت الله و پایان آن لقاء الله است و حرکت در این مسیر جز با تلاش مضاعف میسر نمی گردد (انشقاق / ۶).

۳- الگوها و راهبران انسان ها در این صراط مستقیم به نحو اجمال کسانی هستند که خداوند نعمت ویژه خویش را به ایشان ارزانی کرده است و به نحو تفصیل انبیاء، صدیقان، گواهان و صالحان می باشند. ویژگی های صراط مستقیم را هم چنین می توان از صفات اصحاب این صراط دریافت؛ زیرا خصوصیات این بزرگواران، در حقیقت نشانه های عملی و عینی صراط مستقیم است.

## مراجع

۱. سیوطی، ج.، (بی تا)، "الاتقان فی علوم القرآن"، دار الکتب العربی، بیروت.
۲. جوهری فارابی، ا.، (۱۴۰۷)، "الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه"، دارالعلم للملایین، بیروت.
۳. راغب اصفهانی، ج.، (۱۳۷۳)، "المفردات فی غریب القرآن"، مکتبه البوذ جمهوری المصطفوی، تهران.
۴. طبرسی، ف.، (۱۳۷۲)، "مجمع البیان فی تفسیر القرآن"، انتشارات ناصر خسرو، تهران.
۵. زمخشری، م.، (۱۴۰۷)، "الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل"، دارالکتب العربی، بیروت.
۶. طریحی، ف.، (۱۳۷۵)، "مجمع البحرین"، مرتضوی، تهران.
۷. ابن عاشور، م.، (بی تا)، "تحریر المعنی السدید و تنویر العقل الجدید من تفسیر الکتب المجدید"، موسسه التاریخ العربی، بیروت.
۸. مصطفی، ا.، (۱۴۲۵)، "المعجم الوسیط"، چاپ چهارم، مجمع اللغة العربیه، قاهره.
۹. جوادی آملی، ع.، (۱۳۷۹)، "تسنیم"، مرکز نشر اسراء، قم.
۱۰. طباطبایی، م.، (۱۴۱۷)، "المیزان فی تفسیر القرآن"، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم.
۱۱. صدوق، م.، (۱۳۶۱)، "معانی الأخبار"، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، قم.
۱۲. بحرانی، ه.، (۱۴۱۶)، "البرهان فی تفسیر القرآن"، بنیاد بعثت، تهران.
۱۳. حویزی، ع.، (۱۴۱۵)، "نور الثقلین"، انتشارات اسماعیلیان، قم.
۱۴. عیاشی، م.، (۱۳۸۰)، "کتاب التفسیر"، چاپخانه علمیه، تهران.
۱۵. قمی، ع.، (۱۳۶۷)، "تفسیر قمی"، دارالکتب، قم.
۱۶. مستفید، ح.، (۱۳۹۰)، "ترجمه قرآن"، حنیف و مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران، تهران.
۱۷. صدوق، م.، (بی تا)، "عیون أخبار الرضا (ع)"، نشر جهان، تهران.
۱۸. کلینی، م.، (بی تا)، "الکافی"، اسلامیه، تهران.



۱۹. طبری، م. (۱۴۱۲)، "جامع البیان فی تفسیر القرآن"، دارالمعرفه، بیروت.
۲۰. صدر المتألهین، م. (۱۳۶۶)، "تفسیر القرآن الکریم"، انتشارات بیدار، قم.
۲۱. مصطفوی، ح. (۱۳۷۴)، "التحقیق فی کلمات القرآن الکریم"، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۲۲. طوسی، م. (بی تا)، "التبیان فی تفسیر القرآن"، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۲۳. فیض کاشانی، م. (۱۴۱۵)، "الصافی"، انتشارات الصدر، تهران.
۲۴. طنطاوی، م. (بی تا)، "التفسیر الوسیط للقرآن الکریم"، دار نهضة مصر للطباعة والنشر، قاهره.
۲۵. صادقی تهرانی، م. (۱۴۱۹)، "البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن"، مؤلف، قم.
۲۶. ابن منظور، م. (بی تا)، "لسان العرب"، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع - دار صادر، بیروت.
۲۷. حسینی شیرازی، م. (۱۴۲۴)، "تقریب القرآن إلى الأذهان"، دار العلوم، بیروت.
۲۸. بلاغی نجفی، م. (۱۴۲۰)، "آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن"، بنیاد تهران، قم.
۲۹. شبر، ع. (۱۴۰۷)، "الجواهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین"، مکتبه الالفین، کویت.
۳۰. کاشانی، م. (۱۴۲۳)، "زبدۃ التفاسیر"، بنیاد معارف اسلامی، قم.
۳۱. قمی مشهدی، م. (۱۳۶۸)، "تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب"، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران.
۳۲. آلوسی، م. (۱۴۱۵)، "روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم"، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۳۳. فراهیدی، خ. (بی تا)، "کتاب العین"، نشر هجرت، قم.
۳۴. بیضاوی، ع. (۱۴۱۸)، "انوار التنزیل و اسرار التاویل"، بیروت. دار احیاء التراث العربی،
۳۵. فیروزآبادی، م. (۱۴۲۶)، "القاموس المحیط"، مؤسسه الرساله للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت.
۳۶. سیوطی، ج. (۱۴۰۴)، "الدر المنثور فی تفسیر المأثور"، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم.
۳۷. فضل الله، م. (۱۴۱۹)، "تفسیر من وحی القرآن"، دارالملاک للطباعة والنشر، بیروت.
۳۸. فخرالدین رازی، م. (۱۴۲۰)، "مفاتیح الغیب"، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۳۹. ابن کثیر دمشقی، ا. (۱۴۱۹)، "تفسیر القرآن العظیم"، دارالکتب العلمیه، بیروت.